

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

ناصر مستجاب - بلغاریا

۲۲ اگست ۲۰۱۵

## حاتم بخشی هاشمیان - یا خودپرستی؟

بعض کارها از قدرت بشر ساخته نیست؛ مانند دفع طوفان و زلزله و دیگر بلیات سماوی و یا بهتر بگویم، آفتهای زمینی و طبیعی. ولی بعض کارهایی است که میتوان جلوش را گرفت؛ مثلاً می توان جلو ظلم و تجاوز و جنگ را گرفت و یا می توان مانع شد، که کسی به ناحق نمره کامیابی بگیرد و یا مفت و بدون استحقاق به نعمت و جاه و مالی برسد و یا به منصب و مسندی که شایسته اش نیست، تکیه زند و ....

نمی دانم عملکرد داکتر صاحب هاشمیان را زیر کدام کتگوری و دسته بندی بیاوریم؟ کار ارادی که میتوانست جلوش گرفته شود و یا کار غیر ارادی هاشمیان؟ مراد از «کار هاشمیان»، آنست که بر مبنای لحاظ و پاس کلانی و ریش سفیدی و گل روی داکتر صاحب هاشمیان به میان آمده است و بنا بر یک منشور نادرست فرهنگی ما، نمی توانست ناپذیرفته بماند و یا رد گردد.

استاد هاشمیان به تاریخ چارم مارچ امسال مطلبی در وبسایت افغان جرمن آنلاین منتشر ساخته و در آن پیشنهادی را مطرح کرده بود. ایشان دو خانم افغان را که اشعاری از ایشان در آن وبسایت نشر شده است، سزاوار لقب استادی دانسته و پیشنهاد کرده بود، که به رویت این اشعار به ایشان لقب «استاد ادب دری» تفویض گردد. بعداً نام چند نفر دوست و آشنای نو و دیرینه خود را که تعداد زیاد ایشان با شعر و شاعری از نگاه فنی آشنائی کافی به هم نرسانده اند، فهرست کرده از ایشان تقاضاء نموده بود، که در زمینه این پیشنهاد موقف بگیرند و هان و نی خود را معلوم کنند، که آیا طرفدار نظر استاد هاشمیان میباشند و یا به ضد نظر ایشان؟

شاید تعدادی ازین افراد به خاطر اینکه استاد هاشمیان آزرده نگردیده و گپش به زمین انداخته نشود، و از طرفی به خاطر اینکه آن دو خانم عزیز از ایشان خفه نشوند، دل و نادل نظر خود را در زمینه ارائه کرده اند. اگر فرض را بر آن نهیم که تعداد زیاد این افراد نظر مثبت ارائه کرده اند. حالا سؤالی که پیدا میشود اینست، که اگر این رایگیری و نظرپرسی بر اعلا و علانیه نی، بلکه سرّی و محرمانه میبود، آیا باز هم به همین تعداد رأی و نظر مثبت جمع میشد؟ به نظر من قطعاً چنین نمیشد. پس اصلاً چنین یک نظرخواهی غلط است و نتیجه گرفتن بر مبنای آن هم کاملاً غلط. چون استاد هاشمیان در واقع نظر خود را بر دوستان خود تحمیل کرده است و اگر دقیق تر گفته شود، این رایگیری و نظرسنجی هیچ مبنای حقوقی ندارد و از اعتبار ساقط میباشد. و اگر ازین هم دقیق تر گفته شود، این نظرسنجی، فقط یک نظر را تبلور داده است، که نظر استاد هاشمیان باشد. ازینرو چنین نظرسنجی هیچ ارزش حقوقی و اخلاقی ندارد و کاملاً باطل است.

حالا میبینیم که استاد هاشمیان صاحب سند طومار مانندی را نشر و به حیث طغرای آن سه عکس را منقش کرده است:

- در طرف راست عکسهای دو خانم گرامی افغان، هریک محترمه خانم صالحه واهب واصل و محترمه پوهندوی خانم شیما غفوری

- در سمت چپ عکس مبارک خود استاد هاشمیان با کف و کالر و نکتائی و فیشن سامانه اشرفامآبانه بعد استاد هاشمیان به نقد چند بیت این دو شاعره افغان می پردازد؛ آن هم نقدی از نگاه صنایع لفظی. استاد هاشمیان دو سه بیت نمونه را ازین دو شاعر را برگزیده و از نگاه بدیع و بیان به تحلیل گرفته است و در باره هر کدام هنرنمایی می کند و می فرماید که در فلان مصرع کدام صنعت ادبی نهفته است و در کدام مصرع صنعت لف و نشر و مراعات النظیر و حسن تعلیل و ایهام تناسب و تجنیس و جناس و تضاد و مبالغه و چی و چی و چی ....

استاد هاشمیان مگر دو چیز عمده را در زمینه فراموش کرده و یا این که قصداً فراموش فرموده است. یکی قالب اشعار و دیگر محتوا و متنی که در اشعار گنجانده شده است. در یک نقد ادبی، باید بر نکات عمده تکیه کرد و بعد ازین که چنین شد، در قدمهای ثانی و ثالث از صنایع لفظی سخنی به میان آورد.

به حضور جناب هاشمیان برسد، که صنایع لفظی در نثر و حتی کلام عادی روزمره عوام ما هم فراوان به کار میرود؛ و مثلاً تجنیس و تشبیه و استعاره و تضاد و توریه و حسن تعلیل و ارسال مثل و مبالغه و غیره و غیره را در آثار منثور و حتی در مطبوعات و مکاتبات روزمره هم به کثرت مشاهده می کنیم. پس کار گرفتن از صنایع لفظی کدام کار خارق العاده نیست. حالا سوالی که وارد می شود اینست، که چرا داکتر صاحب هاشمیان اصل را رها کرده و به فرع چسبیده است؟

در اشعار کلاسیک دری یا اشعار عروضی، مهمترین نکته مراعات دقیق وزن عروضی است. هر وقتی که شعری از نگاه وزن عروضی درست بود، یعنی قالب سالم داشت، موضوع متن و ارتباط منطقی کلمات در هر مصرع و بیت مطرح میشود. بعد ازینکه این دو کار صورت گرفت، موضوع صنایع ادبی و لفظی به میان می آید. شعر عروضی کلام موزون است، و اگر وزن شعری ویران باشد، ارزش آن کاملاً از بین میرود. وزن شعر در واقع استخوانبندی و ستون فقرات و زیربنای شعر را میسازد و صنایع لفظی حکم روپناه و رویه کار را دارد. اگر یک تعمیر از نگاه ساختمان فزیکی خود استوار نباشد و نقایصی در آن نهفته باشد، هیچ رنگ و رنگالی و تزئین ظاهری به دردش نمیخورد. شیخ شیراز سعدی صاحب علیه الرحمه چه بجا فرموده:

**خانه از پایبست ویران است**

**خواجه در بند نقش ابوانست**

وقتی تهداب و دیوارها و سقف خانه استوار و محکم نباشند، هیچ سیمگل و گلگل و رنگ و روغن و ورنس و تزئین و مسطح کاری نجاتش داده نمی تواند.

سؤال اصلی را به تکرار مطرح میکنم، که چرا استاد هاشمیان از درست بودن مراتب عروضی این اشعار و خصوصاً اشعاری که در مقاله ۴ ماه مارچ خود به کثرت و فراوانتر آورده است، سخن اصولی، جدی و قاطع به میان نمی آورد؟ به نظر من استاد هاشمیان خود در زمینه دسترس ندارد و اصلاً درست بودن وزن یک شعر را تخمین کرده نمیتواند.

اگر نفس مقاله ماه مارچ استاد هاشمیان را مد نظر بگیریم، چندین نکته در آن تبارز میکند، که تمکین بر همه نکات بحث زیاد کار دارد و اگر لازم شد، بدان خواهم پرداخت. نزد من سوالی که همین حالا مطرح میشود اینست که :

- آیا استاد هاشمیان و یا هر فرد دیگری غیر از ایشان، صلاحیت دادن لقب «استاد» را به کسی یا کسانی دارد، یا ندارد؟

- آیا این لقب دادن ها، پیش از اینکه شخص یا اشخاص ملقب به «استاد» را مفتخر بسازد، باعث بالا بردن نام و نشان و حیثیت و پرستیژ خود استاد هاشمیان نمی شود؟

- چرا استاد هاشمیان عکس خود را در آن «وثیقه ادبی» در پهلوی عکسهای خانم و اهب و اصل و خانم شیما غفوری ثبت کرده است؟

- آیا تمام این بازیهای غیر مجاز حس خودخواهی و خودپرستی خود استاد را ارضاء نمی کند؟  
طوری که از گذشته های دور تا به امروز خوانده و شنیده ام، استاد هاشمیان صاحب سخت علاقه دارد، که همیشه در مرکز و کانون و محراق قرار داشته باشد، تا عطش خودخواهی و خودنمائی خود را خاموش بسازد.  
از نظر بنده، «استاد سازی» داکتر صاحب استاد هاشمیان ناشی از حس خودپرستی سیری ناپذیر خودشان میباشد و پیش از اینکه باعث افتخار آن دو خانم عزیز افغان گردد، پرستیژ خود ایشان را بالا میبرد. در واقعیت امر این حاتم بخشی تاجی میباشد که استاد هاشمیان بر فرق خود می نهد.